

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای
(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

۳۱ دسامبر ۲۰۲۵

دوستان عزیز و محبوب،

اولین مرحله نقشه نه‌ساله، پرتوی بر توانایی چشمگیر جامعه بهائی افکنده است. توان و عزم بی‌سابقه‌ای که در بیش از ده هزارگردهمایی بهائیان و دوستان علاقمند مشهود بود و نقشه با آن آغاز گردید، به سرعت موجب افزایش آگاهی نسبت به اهداف و ویژگی‌های خاص نقشه شد و اقدامات پیوسته و بی‌وقفه‌ای را در پی داشت. انتظار داریم که تا فرارسیدن عید سعید رضوان، در حدود نیمی از ۱۶۰ منطقه و کشورهایی که هنگام شروع نقشه هنوز محدوده جغرافیایی با سؤمین نماد رشد نداشتند، چنین محدوده‌ای به وجود آمده باشد که خود دست‌آوردی شگرف است. تجارب ارزشمندی در این مسیر حاصل شده است به ویژه از طریق مساعی خالصانه شمار قابل تحسینی از افراد که در قالب یک راه‌برد هماهنگ مهاجرت به میدان خدمت شتافتند. هم‌زمان، توجه خاصی در همه کشورها به محدوده‌های جغرافیایی با سؤمین نماد رشد معطوف گردیده و بدین ترتیب، مرزهای یادگیری به طور قابل ملاحظه‌ای پیش رفته و نیروی جامعه‌سازی امر الهی آشکارتر شده است. بسیاری از این محدوده‌ها بمثابة گنجینه‌ای از دانش و ذخیره‌ای از منابع برای محدوده‌های پیرامون خود ایفای نقش می‌کنند و این امری است که اهمیت آن برای فرایند رشد در همه جا به اثبات رسیده است. لذا حرکت سریع محدوده‌های جغرافیایی برای عبور از اولین، دومین و سؤمین نماد رشد ایجاب می‌کند که این الگو تقویت شده و به طور گسترده مورد استفاده قرار گیرد. زیرا هرچند از پیشرفت‌های حاصله خرسندیم، ولی بدیهی است که تحقق بخشیدن به اهدافی که هریک از جوامع ملی بهائی در آغاز نقشه در رابطه با پیشرفت محدوده‌های جغرافیایی برای خود مقرر داشته است، وظیفه‌ای است سنگین و دشوار. نیاز فوری آن است که قابلیت‌های لازم برای سرعت بخشیدن به برنامه رشد، به طور گسترده‌تر پرورش یابد. سند مرجع برای این کار و برای همه اقدامات نقشه نه‌ساله البته همچنان پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ این جمع خواهد بود ولی در این صفحات خواهیم کوشید تا مجموعه‌ای از بینش‌هایی را ارائه کنیم که از تلاش جوامع، مؤسسات و افراد در ضمن اجرای نقشه به دست آمده است.

یک عامل مؤثر در محدوده‌های جغرافیایی و در محله‌ها و روستاهایی که پیشرفت قابل توجهی رخ داده است همانا قابلیت افراد برای یادگیری با هم دیگر بوده است که بر اساس بینش‌های حاصل از تجربه خود و با بهره‌گیری از بینش‌های جوامع پیشرفته نزدیک و یا دور، و بدون احساس استفاده از یک فرمول ثابت، راه پیشرفت را ترسیم می‌نمایند. هرچند ویژگی‌های بنیادین یک برنامه رشد — اهداف، اصول راهنما، و ابزارهای اصلی آن — در همه جا یکسان است، ولی رشد یک فرایند ارگانیکی است نه ماشین‌وار. در چنین فرایندی، پیشرفت در هر مرحله مشروط به درکی روشن از اولویت‌های محل است، و همانگونه که در پیام به کنفرانس شما در سال ۲۰۲۱ تأکید کردیم، به قرائت واقعیت‌های در حال تحول و اتخاذ رویکردهایی متناسب با شرایط محلی وابسته است.

سومین نماد رشد، معیاری است برای سنجش پیشرفت در سفری که آغاز آن اکنون به خوبی شناخته شده است. بعد از عبور از این نماد رشد، در آن دسته از محدوده‌های جغرافیایی که پیشرفتی پایدار نموده‌اند، ویژگی‌های مهم مشترکی دیده می‌شود. برنامه‌های مؤسسه آموزشی توسط مجموعه‌ای نسبتاً بزرگ و در حال تزايد از منابع انسانی ارائه می‌گردد و تلاش می‌شود تا محله‌ها و روستاهای بیشتری بتوانند فعالیت‌های فشرده خود را تداوم بخشند. قابلیت برای مشارکت شمار زیادی از افراد و مدیریت پیچیدگی فزاینده آن مشارکت از طریق ترتیبات رسمی و غیررسمی وجود دارد. نکته مهم آنکه در این محدوده‌های جغرافیایی، توجه مستمر به تداوم ادوار مؤثر معطوف است تا نبض مرتب مطالعه، مشورت، عمل و تأمل پیوسته برقرار باشد و از این طریق، جامعه قابلیت خود را برای رشد و مشارکت در پیشرفت اجتماع بزرگی که به آن تعلق دارد، افزایش دهد. این ادوار شامل فواصل زمانی برای فعالیت‌هایی با شدت و قوت خاص می‌باشد، یک تزریق نیرو و قوا که دایره مشارکت دوستان را تا حد ممکن گسترش می‌دهد. مشروعات جامعه مانند فستیوال خانوادگی، کمپ نوجوانان، پروژه‌های خدمت، تلاش‌های هنری و ابتکارات جمعی در زمینه نشر نفحات، هر یک به مقتضای روند خاص خود پیش می‌رود. فضاهای تأمل، بسیاری از دوستان را گرد هم می‌آورد و بهره‌گیری از چنین فضاهایی با دقت و تدبیر صورت می‌گیرد — با این آگاهی که کیفیت و سودمندی تأمل، از اقدامات حاصله از آن سنجیده می‌شود. از این محدوده‌های جغرافیایی، منابع به محدوده‌های جغرافیایی اطراف جریان می‌یابد تا به دوستان آنجا کمک کند که پیشرفت خود را تسریع نمایند.

با علاقه‌ای خاص مشاهده کرده‌ایم که چگونه در میان همه شرکت‌کنندگان در الگوی فعالیت در محدوده‌های جغرافیایی با نماد سوم رشد، یک روحیه بارز جمعی می‌تواند به طور فزاینده احساس شود، حتی در شرایطی که این روحیه در اجتماع بزرگ چندان قوی نیست. این روحیه غالباً به صورت احساس تعلق، حس تلاش مشترک، و حمایت متقابل ابراز می‌گردد. این پیشرفت و دیگر پیشرفت‌هایی که در سطح فرهنگ رخ می‌دهد، به ویژه در مراکز فعالیت‌های فشرده در محدوده جغرافیایی آشکار می‌گردد — نه تنها در نقاطی که

بخش عمده‌ای از جمعیت در فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند بلکه در هر محله یا روستایی که شمار زیادی از نفوس به برنامه‌ها و فعالیت‌های جامعه مشغول می‌شوند. همچنین افزایش چشمگیری در ترتیبات هم‌کاری مشاهده می‌شود، ترتیباتی که در ایجاد یا بازسازی هویت اجتماعی مشترک و مقصد جمعی نقش بسزایی ایفا می‌کند. این ترتیبات شامل آن گروه‌های متشکل از خانواده‌ها است که در سال ۲۰۲۱ به آن اشاره کردیم و نیز دیگر گروه‌بندی‌هایی مانند زنان یا جوانان، کشاورزان یا آموزگاران، و مشوقین یا معلمان کلاس‌های کودکان، که غالباً با شبکه‌ای از دوستان حامی هم‌راهی می‌گردند. چنین گروه‌هایی به سازمان‌دهی تلاش‌های خود برای بهبود برخی جنبه‌های حیات جامعه می‌پردازند و مشارکت گسترده‌تر افراد در این تلاش‌ها را ترویج می‌کنند. به عبارت دیگر، آنان کمک می‌کنند تا رشد و توسعه جامعه خوداتکا گردد، بدون نیاز به ایجاد سطوح جدیدی از ساختار اداری. این امر پیامدهای مهمی در بردارد و نشان‌دهنده قابلیت روزافزون جامعه در نقش یک فعال برجسته نقشه است. جامعه با پشتوانه اعتماد کامل از جانب مؤسسات و هدایت مشفقانه آنها، مسیر توسعه خود را با خلاقیت و ابتکار می‌پیماید و به کارگیری اصول مندرج در آثار حضرت بهاءالله را در مواجهه با مسائل و واقعیتهای محیط اطرافش بررسی می‌کند.

جای هیچ شگفتی نیست که ابتکارات برخاسته از جامعه که در سال ۲۰۲۱ برای شما توصیف کردیم، غالباً از همان ترتیبات هم‌کاری فوق‌الذکر سرچشمه می‌گیرد. این ابتکارات ساده ولی پایدار در زمینه اقدام اجتماعی، حوزه‌ای از تلاش و کوشش را نمایان می‌سازد که البته در یک برنامه رشد از آغاز وجود داشته است. حتی در نخستین دوره‌های مؤسسه آموزشی، قابلیت برای اقداماتی جهت کمک به اصلاح عالم و همچنین شرکت در گفتگوهای هدف‌مند پیرامون مسائل مهم اجتماعی، پرورش می‌یابد. در چهار سال گذشته، شمار ابتکارات برخاسته از جامعه که از فعالیت‌های نقشه سرچشمه گرفته‌اند، به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. برخی از این ابتکارات نیز در نتیجه تشویق، آموزش و حمایت سازمان‌های ملهم از تعالیم بهائی پدید آمده‌اند. همه این ابتکارات بیشتر در نقاطی شکل می‌گیرد که فرایند جامعه‌سازی به طور قابل توجهی پیش رفته است و در این راستا از حمایتی که شما و معاونین‌تان، همچنین محافل روحانی محلی، به چنین ابتکاراتی ارائه نموده‌اید سپاس‌گزاریم. سازمان توسعه بین‌المللی بهائی شرایطی که امکان ظهور و شکوفایی این ابتکارات را در محیط‌های مختلف سراسر جهان فراهم می‌سازد، فعلاً نه مورد بررسی قرار می‌دهد، از جمله اینکه چگونه برخی از این ابتکارات به مرور زمان به سازمان‌های برخاسته از جامعه تبدیل می‌شود.

در قلب پیشرفت یک جامعه، البته، فرایند مؤسسه آموزشی قرار دارد. طبیعی است تا زمانی که در یک محدوده جغرافیایی قابلیت برای کار کردن با شمار زیادی از افراد هنوز در حال ساخته شدن است، تلاش‌های مؤسسه آموزشی عمدتاً بر پرورش آن منابع انسانی متمرکز گردد که بتوانند برای خدمت خاصی قیام بنمایند. اما با گذشت زمان و پس از عبور از سومین نماد رشد و تقویت قوای مراکز خاص فعالیت‌های فشرده، مؤسسه آموزشی با

جدّیت بیشتری به ارائه سیستماتیک و مؤثر برنامه‌هایی که برای سنین کودکی تا بزرگسالی عرضه می‌کند، و همچنین به گسترش این برنامه‌ها در سایر بخش‌های محدوده جغرافیایی نیز می‌اندیشد. دروس کودکان در تمام پایه‌های تحصیلی ارائه می‌شود، تعداد متونی که توسط گروه‌های نوجوانان مطالعه می‌شود افزایش می‌یابد، و مشارکت در هر دو برنامه سال به سال استمرار می‌یابد، که جمعاً این فعالیت‌ها را نهادینه کرده و به آنها حالت رسمی‌تری می‌بخشد. غالباً این پیشرفت‌ها متکی بر خدماتی است که توسط تعداد روزافزون جوانان انجام می‌شود. به منظور پیشرفت یک جمعیت، تدریجاً مجهودات آموزشی تکمیلی به تلاش‌های مؤسسه آموزشی اضافه می‌شود، مانند برنامه‌هایی که از مواد ملهم از تعالیم بهائی بهره می‌گیرند و همچنین دوره‌هایی که در اجتماع بزرگ در دسترس است، یا حتی در برخی نقاط تشکیل یک مدرسه جامعه. در پیام ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱، اظهار امیدواری نمودیم که به جوانان برای دسترسی به فرصت‌های آموزشی کمک شود، حال با خرسندی مشاهده می‌کنیم که این نیاز به شیوه‌های گوناگون برآورده می‌شود، از جمله تدریس خصوصی در ساعات بعد از مدرسه و یاری به جوانانی که خواهان ورود به تحصیلات عالی هستند. با آغاز شکل‌گیری یک مسیر آموزشی گسترده، جامعه با احساس مسئولیتی عمیق‌تر بر آن است که هریک از اعضای خویش، به ویژه جوانان را به حرکت در این مسیر فراخواند و آنان را به پیشرفت در عرصه‌های رشد روحانی و عقلانی ترغیب نماید.

فوایدی را که از افزایش آگاهی در اجتماع بزرگ نسبت به ارزش آموزشی برنامه‌های مؤسسه حاصل می‌شود، مشاهده کرده‌ایم. این اقدامات شامل تلاش‌هایی بوده است برای ارتباط با والدین و خویشاوندان کودکان و نوجوانان، و همچنین با مسئولین و مربیان ارشدی که احباً با آنان در تعامل اند. چنین تلاش‌هایی موجب گسترش حمایت اجتماع بزرگ از فعالیت‌های مؤسسه آموزشی می‌شود، حمایتی که از جمله از سوی نهادها و مؤسسات عمومی و نیز رهبران سنتی ابراز می‌گردد. در حقیقت، در آن محدوده‌های جغرافیایی که فعالیت‌های جامعه بهائی به سطح قابل توجهی نمایان شده و مورد تقدیر قرار گرفته است، مسئولین امور در سطح محلی، خدمات عمومی، و جامعه مدنی برای تبادل بینش و هم‌کاری با جامعه بهائی پیش‌قدم می‌شوند. احباً و محافل روحانی محلی که نماینده آنان هستند آماده هم‌کاری با نهادهای اجتماع اند و از ایجاد چنین ارتباطاتی استقبال می‌نمایند، در حالی که با هوشیاری مراقب‌اند تا گرفتار مسائل سیاسی نشوند. در مواردی مشاهده نموده‌ایم که رابطه دوستان با نهادهای حکومت محلی از هم‌کاری فراتر رفته گسترش می‌یابد و حس مأموریت مشترکی را در بر می‌گیرد که بر پیشرفت اجتماع متمرکز است — همانند مردمی که یک پارچه با یکدیگر حرکت می‌نمایند. در تعداد فزاینده‌ای از نقاط، عموم ساکنین به تدریج محفل روحانی محلی را متعلّق به خود می‌دانند و نور ساطع از آن را مشاهده می‌کنند.

در سال ۲۰۲۱ به امکاناتی اشاره کردیم که می‌تواند در نقاطی تحقّق یابد که فعالیت‌های بهائی در آنجا رایج شده است، و هرچند محیط‌هایی که این امر در آنها رخ داده هنوز نسبتاً محدود است ولی این پدیده به طور

پیوسته در حال رشد است. این نقاط بخش‌های ویژه‌ای در درون یک محدوده جغرافیایی هستند که در آنها نیروی جامعه‌سازی امر الهی به آشکارترین صورت جلوه‌گر می‌شود. در اینجا عملکرد نقشه در زندگی مردم به گونه‌ای جای می‌گیرد که نمی‌توان آن را به آسانی سنجید یا به طور کامل توصیف کرد. در چنین نقاطی دوستان در مجهودات و مشورت‌های جمعی خود، به نحوی فزاینده به ایجاد فضاهایی مشغول‌اند که مردم در آنها به مشورت می‌پردازند و دانشی را که از علم و دین برگرفته شده با یکدیگر به اشتراک می‌گذارند و راه‌هایی برای به کارگیری آن دانش در پیشرفت خانواده، آموزش، فعالیت اقتصادی، بهداشت عمومی و دیگر فرایندهای اساسی حیات جامعه می‌یابند و در آنها روحی تازه می‌دمند. با توجه به پیامدهای وسیع و پدیده‌آنانچه در حال وقوع است، اصطلاح "برنامه رشد" دیگر به طور کامل بیان‌گر وسعت و اهمیت این تحولات نیست. هرچند در بخش‌های دیگر همان محدوده جغرافیایی، روند رشد ممکن است هنوز در مراحل آغازین باشد، اما در جایی که سطح مشارکت در فعالیت‌های بهائی به این حد بالا رسیده است، واقعیتی نو در سیر تکامل جامعه بهائی و ارتباط آن با اجتماع در حال شکل‌گیری است. افق‌هایی درخشان در انتظاراند.

*

ترکیبات و ارتباطات در بستر طبیعت، موجد پویایی و حیات جدید می‌شود؛ به همان نحو، یک فرایند شکوفای یادگیری زاده تعاملات رسمی و غیررسمی بی‌شمار و خواص نوخاسته آن تعاملات است. خصوصیات این فرایند، تبادل آزاد و بی‌وقفه بینش‌ها، تجربه‌ها و اندیشه‌ها در بین دوستان در سطح مردمی است. اما این روند در آنجا متوقف نمی‌شود بلکه در سطوح منطقه‌ای و ملی و فراتر از آن ادامه می‌یابد و در هر سطح، یادگیری از طریق گفتگوهای پویایی که در فضاهای ایجاد شده برای تأمل در عمل شکل می‌گیرد، پرورش می‌یابد. این گفتگوها از تجارب حاصله از تلاش‌های جامعه بهائی در سراسر عالم در چارچوب نقشه، و همچنین از نتایج ناشی از تحلیل الگوهای در حال بروز در سطح محلی بهره‌مند می‌گردد. این گفتگوها البته توسط مؤسسات و نهادهایی که در هر سطح خدمت می‌کنند نیز شکل می‌گیرد. هرچند افراد، جوامع و مؤسسات همگی سهمی در این فرایند دارند ولی نهایتاً مؤسسات امری هستند که مسئولیت پرورش این زیست‌بوم یادگیری را بر عهده دارند. یکی از الزامات اساسی آن است که ترتیبات کافی، چه تشکیلاتی و چه غیررسمی برای شکوفایی این فرایند فراهم گردد و تمامی کسانی که در این مسیر یادگیری مشارکت دارند با روابطی سرشار از محبت و آکنده از روحیه تواضع و علو طبع به یکدیگر پیوند یابند.

قابلیت مؤسسات و نهادها برای پرورش یک فرایند یادگیری، ارتباط نزدیکی با قابلیت آنان در اداره امور به صورت مؤثر و با کارایی دارد. با افزایش خطوط عمل مختلف در یک محل، محافل محلی به طور فزاینده توانسته‌اند نیازهای مربوط به هماهنگی و برنامه‌ریزی را برآورده سازند. محافل در این مسئولیت‌ها اغلب با نهادهای محدوده جغرافیایی سهیم هستند و با هم می‌کوشند تا توصیه‌ها، منابع و تشویق‌ها به نقاطی که نیاز بیشتر

موجود است معطوف گردد و فرایند یادگیری به پیشرفت خود ادامه دهد. نهادهای محدوده جغرافیایی به ویژه سعی می‌نمایند که درس‌های آموخته شده در یک محل، یا حتی در بخش کوچکی از آن، به سایر نقاط محدوده جغرافیایی بهره‌رسانند. در عین حال، تبادل دانش و بینش‌ها در بین محدوده‌های جغرافیایی با رویکردی که مشابه تبادل دانش و بینش کسب شده در درون یک محدوده جغرافیایی است صورت می‌گیرد. ایجاد ترتیباتی در میان گروه‌های محدوده‌های جغرافیایی مجاور، تأمین کمک و تبادل سریع تجربیات را امکان‌پذیر نموده است. اکنون با تأسیس شوراهای منطقه‌ای بهائی یا لجنه ملی رشد در هر کشور، ساز و کارهای تشکیلاتی لازم برای پیشبرد سیستماتیک فرایند رشد در همه جا فراهم گردیده است. در سطح ملی، هرگاه تجربیات اندوخته شده چنین ایجاب کرده است، محافل ملی ساختارها و فضاهایی را ایجاد کرده‌اند تا بتوانند آنها را در جریان تجارب و یادگیری‌ها قرار دهند. طبیعی است که هیچ ویژگی یا ساختار جدیدی بدون آنکه الزامات رشد آن را اقتضا کند ایجاد نمی‌شود. با این حال، انتظار می‌رود شما عزیزان و معاونین تان مترصد باشید تا دریابید چه زمانی ترتیبات موجود در هر سطح از جامعه نیازمند تحوّل برای پاسخ‌گویی به مقتضیات رشد است، و سپس در تعامل با مؤسسات مربوطه، به وجود آمدن ترتیبات جدید را در قالبی مناسب تشویق نمایید.

همچنین مشاهده کرده‌ایم که چگونه ترتیبات اداری که به انجام وظایف مؤسسه آموزشی کمک می‌کند به گونه‌ای در حال تکامل است تا فرایند یادگیری در باره نحوه گسترش سریع برنامه‌های مؤسسه با کیفیت لازم را پرورش دهد. این ترتیبات در مراحل اولیه بسیار ساده است اما با افزایش شمار افرادی که در یک محدوده جغرافیایی به عنوان راهنمایان حلقه‌های مطالعه، مشوقین گروه‌های نوجوانان و معلمان کلاس‌های کودکان خدمت می‌کنند، نیاز به مشارکت هدف‌مند در یک فرایند یادگیری جمعی ضرورت بیشتری پیدا می‌کند. حائز اهمیت بسیار است که آنان بتوانند گفت و گویی مستمر با یکدیگر داشته باشند، به صورت گروهی با هم تأمل نمایند و در عرصه عمل یکدیگر را حمایت کنند. این الگوهای تعامل، زمانی با سهولت بیشتر شکل می‌گیرد که این دوستان به نحوی مؤثر از سوی هماهنگ‌کنندگان و هم‌کارانی که آنان را یاری می‌کنند، همراهی شوند. البته هماهنگ‌کنندگان نیز باید در هر محدوده جغرافیایی پرورش یابند و به آنان کمک شود تا به مرور زمان قابلیت‌های خویش را توسعه دهند، کمکی که عموماً بر عهده هماهنگ‌کنندگان مؤسسه منطقه‌ای یا ملی است. مجهودات این دوستان در سطح منطقه‌ای و ملی نیز به نوبه خود به نحو فزاینده‌ای از سوی تیم‌هایی برای هر برنامه آموزشی تقویت می‌شود. در چهار سال گذشته، این تیم‌ها کمک شایانی به هماهنگ‌کنندگان منطقه‌ای و ملی کرده‌اند تا سمینارهایی ترتیب دهند که محتوای هر برنامه را به طور عمیق بررسی نماید، و زمینه‌ای فراهم سازد تا مواد مؤسسه با خلاقیت، انعطاف‌پذیری و سرعت عمل هر چه بیشتر، اما بدون خدشه به اجزای اساسی برنامه، به شمار فزاینده‌ای از افراد ارائه گردد.

در عین حال تجارب و بینش‌هایی که از فرایند یادگیری مؤسسه حاصل می‌شود، پیوسته گردآوری می‌گردد، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد، و با دیگران در میان گذاشته می‌شود. این تلاش به طور چشمگیری از گردهمایی‌هایی بهره‌مند می‌شود که مؤسسه گاه به گاه برای مشورت برگزار می‌کند، گردهمایی‌هایی با حضور اعضای هیئت معاونت، نمایندگان شورای منطقه‌ای بهائی یا لجنة ملّی رشد، افراد کاردان از جایگاه‌های نشر یادگیری در باره برنامه نوجوانان، و دیگر کسانی که تجارب‌شان سرمایه‌ای ارزشمند به شمار می‌رود. جلسات این گروه هم‌کار، پیوندهای مؤسسه آموزشی با سایر مؤسسات و نهادها را تقویت می‌کند و سبب می‌شود که فرایند یادگیری مؤسسه در چارچوب گسترده‌تر یادگیری در باره فرایند کلی رشد، بسط و گسترش یابد. هیئت مؤسسه آموزشی همچنین به تقویت تمامی جنبه‌های دیگر مؤسسه، از جمله قابلیت اداری آن، می‌پردازد تا بتواند یک سیستم آموزش روحانی را که تدریجاً گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شود، پایداری و تداوم بخشد. تقریباً تمامی مؤسسه‌های آموزشی اکنون در گروه‌بندی‌هایی سازمان‌دهی شده‌اند تا جریان حمایت عملی و تبادل بینش‌های ارزشمند تسهیل شود. توسعه این گروه‌بندی‌ها به عنوان راه‌بردی مهم برای پیشرفت سریع مؤسسات آموزشی به اثبات رسیده است.

*

مایه سرور مستمر این جمع است که نفوس مشتعلی را که در پیام خود به کنفرانس شما در سال ۲۰۲۱ توصیف کرده بودیم، مشاهده می‌نماییم که در محدوده‌های جغرافیایی متعددی با شمار روزافزون با فداکاری صمیمانه و از همه مهم‌تر با تعهد به فرایند یادگیری، نقشه را با تمام وجود دنبال می‌کنند. این استوارترین شالوده برای پیشرفتی است که می‌بایست در مرحله دوم نقشه تحقق یابد.

فرایندهایی که در چارچوب نقشه در حال بسط و گسترش‌اند، بی‌تردید تأثیری عمیق و تقلیب‌کننده بر افراد بر جای می‌گذارند. آنچه مشاهده می‌نماییم، دوستان مشتاقی هستند که می‌آموزند چگونه مجهودات خود را هر چه بیشتر با اراده الهی هماهنگ سازند. با مشارکت در چارچوب عمل نقشه، افراد راه‌هایی را برای بهبود تمامی جنبه‌های زندگی برای خود، برای فرزندان‌شان، برای اقوام و بستگان‌شان و برای جامعه خویش درمی‌یابند. آنان از آگاهی روحانی والایی برخوردارند که نفوس را به حیاتی سرشار از هدف و معنا رهنمون می‌سازد، حیاتی که وقف پرورش استعدادهای خدادادی و تلاش برای تقلیب و تحوّل اجتماع می‌گردد. آنان ارزش دانش را به عنوان نیروی محرک پیشرفت به خوبی دریافته‌اند، به تولید آن پایبندند و آن را با فروتنی و سخاوت در اختیار دیگران می‌گذارند. یادگیری برای آنان عادتی ذهنی است و رویکردی که در تمامی شئون زندگی‌شان متجلی می‌گردد. در هر چهره، یک متحرّی حقیقت می‌بینند و با تمام وجود، خود را وقف ترقیات مادی و معنوی و فکری مردمان می‌سازند. آنان با عوامل متشکّت‌کننده زودگذر و بی‌امان دنیا از مسیر خود منحرف نمی‌شوند، با

ثبات به پیش می‌روند، شکیب و پایدار به مجهودات درازمدت متعهدند، و هم‌راه با بسیاری از دیگران، به بنای مأمّن‌های صلح و آرامش مشغول‌اند.

بارها مشاهده شده است که هرگاه افراد به اهمّیت یک الگوی گسترده فعالیت در اطراف خود بیشتر آگاه می‌شوند، با رغبت فراوان وقت و نیروی خلاقانه خویش را برای گسترش و پیشرفت آن به کار می‌گیرند. به طور عمومی احبّا با تقدیم تبرّعات و ارائه سایر انواع منابع مادی نیز به جامعه خویش کمک می‌کنند. هرچند همه احبّا چنین کمک‌هایی را تقدیم می‌دارند، امّا برای برخی از احبّا که از امکانات بیشتری برخوردارند تقدیم این کمک‌ها شیوه مؤثری برای پیشبرد نقشه به شمار می‌آید که آنان مخصوصاً می‌توانند از آن بهره برند. ماهیت خدمت هر فرد، هر شکلی که به خود گیرد، از تعامل یگانه‌ای برمی‌خیزد میان نیازهای امر مبارک از یک سو، و از سوی دیگر امکاناتی که شرایط هر شخص فراهم می‌آورد و فداکاری‌هایی که او برای خویش برمی‌گزیند.

احبّای عزیز بیش از پیش به موهبت آشنا ساختن نفوس با رسالت حضرت بهاءالله پی می‌برند، و فراتر از آن، به مساعدت محبّت‌آمیز به نفوسی که بر آستانه آیین الهی ایستاده‌اند تا به درون گام نهند، متزاید ارج می‌نهند. در پیام سال ۲۰۲۱ توجّه را به این لحظه بی‌نهایت ارزشمند در مسیریک سفر روحانی معطوف داشتیم. با علاقه مشاهده کرده‌ایم که از آن زمان، احبّا در بسیاری از نقاط توجّه خود را بر چگونگی تشخیص هنگامی که مدینه قلب گشوده گشته است، و نیز برگفتگو‌هایی که به این لحظه منتهی می‌گردد و پس از آن ادامه می‌یابد، متمرکز نموده‌اند. در این زمینه هنوز بسیار باید آموخت، چه در خصوص چگونگی تشخیص استعداد روحانی در محیط‌های گوناگون، و چه در شناخت زمانی که این استعداد به کمال رسیده و به مرتبه ایمان بالغ گشته است.

هیچ سرور و آرامشی برتر از آن نیست که انسان با نگاه به ایّام گذشته خویش دریابد که عمرش در پرتو آگاهی ژرف از درمان پزشکی الهی سپری شده، از هیچ کوششی برای عرضه آن درمان به نفوس مستعد فروگذار نکرده، و در آن سال‌های گذرا که فرصت در دسترس بوده، حتی در بحبوحه دشواری‌ها، هر امکانی را برای پاسخ به نیاز شدید بشریت مغتنم شمرده است. هرگاه افتخار تشرّف به آستان حضرت بهاءالله نصیب این مشتاقان می‌گردد، با شوق و اشتیاقی وافر، توفیق همگان را از درگاه مقدّسش با تضرّع و ابتهال مسئلت می‌نماییم.

[امضا: بیت العدل اعظم]